

## عنوان مقاله:

حقیقت و اراده معطوف به قدرت به منزله هنر

## محل انتشار:

دوفصلنامه غرب شناسی بنیادی، دوره 10، شماره 2 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 27

## نویسندگان:

بیژن عبدالکریمی - دانشیار گروه فلسفه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهرانشمال

سید علیرضا رضویزاده - دانشجوی دکتری فلسفه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهرانشمال

## خلاصه مقاله:

ایده اصلی تفکر نیچه مفهوم "اراده معطوف به قدرت" است که به عنوان بدیلی در مقابل تفکر متافیزیکی مطرح میگردد. تفکر نیچه پیامآور تفسیر نوینی از ساحت حیات فردی و اجتماعی انسان در جهان کنونی است. نقد رادیکال نیچه به سنت تفکر متافیزیکی تاکنونی این است که این سنت به نیهیلیسم منجر گردیده است. همین نقد در تحلیل آخر زمینهای ظهور معنای تازه‌ای از مفاهیم شناخت و حقیقت را فراهم ساخته است. نیچه با بازگشت به سپهر اندیشه یونان باستان و با عنایت به مفهوم صبرورت و شدن، شناخت را کوبیدن مهر اراده معطوف به قدرت بر واقعیت میداند و به تبع آن حقیقت نه دیگر چون امری ثابت و مطلق که چونان وجهی تولیدی، متکثر و به مثابه افسانه‌های سودمند از جهت رفع امورات انسانی و با عملکردی تنظیمی تلقی میگردد. اراده معطوف به قدرت در مقام هنرمند با بازگشت به طبیعت، چیرگی بر خود و با قدرت آفرینشگری خویش بر نیهیلیسم فائق آمده، عناصر سازنده حیات و زندگی را قوام میبخشد و به زندگی آری میگوید. حقیقت در چنین معنایی چیزی جز اراده معطوف به قدرت نیست.

## کلمات کلیدی:

اراده معطوف به قدرت، حقیقت، متافیزیک، نیهیلیسم، هنرمند

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1188818>

